

## بررسی و نقد معادل‌های فارسی «عزم الامور» در قرآن

عبدالله موحدی محب\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۰۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۰۵/۰۱

### چکیده

ترکیب عزم الامور که به گونه‌های اندکی متفاوت در سوره‌های لقمان و شوری و آل‌عمران آمده به صورت‌هایی مختلف از سوی مترجمان قرآن مورد بازگردان فارسی قرار گرفته است. چنان‌که از نگاه مفسران نیز، معرکه‌ای برای ابراز برداشت‌های گوناگون شده به نحوی که چه‌بسا در سایه این مایه گونه‌گونی، پیام اصلی آیات مشتمل بر ترکیب مزبور به زاویه فراموشی رانده شده است. نوشته پیش رو در کار تحلیل و بررسی ترکیب یادشده در موارد سه‌گانه قرآن بوده بر آن است که عزم‌الامور برخلاف برداشت بیشتر مفسران و مترجمان قرآن عبارت است از فرمان حتمی و قطعی خداوند؛ بدین معنی که به هیچ روی، حقیقت مورد نظر در آیه مربوط را نباید سهل انگاشت. به طبیعت حال چنین ساختاری در مورد اموری به کار می‌رود که نزد گوینده از اهمیت بالایی برخوردار است به گونه‌ای که او هرگز راضی به ترک آن نیست.

کلیدواژه‌ها: مفردات قرآن، ترجمه‌شناسی، عزم الامور، عزیمت، فرمان.

## مقدمه

در قرآن کریم عبارتی با تفاوت یک یا دو حرف، سه بار تکرار شده است؛ نخست در سوره لقمان و در وصایای شخصیت پرآوازه قرآنی جناب لقمان حکیم به فرزندش که پس از فرمان به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و شکیبایی بر سختی‌هایی که بر او وارد می‌شود سخنش را با این جمله کامل کرده است که: ﴿إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان/۱۷)؛ دو دیگر در سوره مبارکه شوری که خداوند در آیات ۳۶ تا ۴۰ آن از داده‌های این جهانی به‌عنوان متاع زندگانی فرودین یاد کرده نعمت‌های واقعی و برین را بسی والاتر و ماندگارتر از آنها می‌شمارد و شایستگان چنان نعمت‌هایی را با عناوینی چند معرفی فرموده که هرکدام رسالت و تکلیفی را با خود حمل می‌کند مانند: آنان که اهل ایمان و توکل‌اند و از گناهان بزرگ دوری می‌کنند و به هنگامه خشم می‌بخشایند؛ همانان که دعوت پروردگار را اجابت کرده نماز برپا می‌دارند و در امور خود رایزنی می‌کنند و در هنگامه ستم و گرفتاری داد خود از بیدادگر می‌ستانند و...؛ آنگاه خداوند در توجیه معقول دادستدن فرموده است: ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا...﴾ (شوری/۴۰). پس از ردیف این مایه مضمون به‌مثابه منظومه و الگوی رفتاری و شخصیتی خوبان واقعی فرموده است: ﴿وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ...﴾ (شوری/۴۳).

مورد سوم آیه ۱۸۶ سوره آل‌عمران است که در آن، خداوند پس از بیان ماجرای جنگ احد و سختی‌ها و آزمون‌ها و دورویی‌های ساکنان حریم ایمان و اسلام نیز تبیین جاودانگی و حیات پرافتخار شهیدان و مطالبی از این دست، فرموده است: ﴿لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ

انفسکم...﴾ شما هم در اموال و جان‌هایتان دچار بلا و سختی و آزمون می‌شوید و از سوی اهل کتاب و مشرکان، فراوان نیش زبان می‌شنوید، آنگاه آیه را با این عبارت پایان داده است که: ﴿وَأَنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (آل‌عمران/۱۸۶).

مفسران و به‌دنبال آنان مترجمان قرآن کریم، برگردان فارسی این ترکیب‌ها و عبارات را به گونه‌های مختلف آورده و چه‌بسا ترجمه هر یک از این موارد سه‌گانه را نیز به‌گونه‌ای متفاوت از دو مورد دیگر بیان داشته‌اند؛ این گونه‌گونی، ابهاماتی را سبب گشته است و به‌دشواری می‌توان و شاید نتوان به وجه جامعی برای تمامی برگردان‌های گونه‌گون این عبارات دست یافت و چه‌بسا پیام اصلی آیه در این مایه، اختلاف به دست فراموشی سپرده شده در غبار وجوه ناهمگون پنهان بماند؛ نوشته پیش روی بر سر آن است که با جستجو و تحلیل آنچه در این باب بر قلم ارباب ترجمه و تفسیر گذشته است، راهی به‌سوی واقعیت معنای عبارت مورد بحث بیابد و پیام اصلی و مراد جدی از آن را فرادید جویندگان باز نماید.

پیش از پرداختن به تفصیل مسأله، نگاهی گذرا به نمونه‌هایی از آنچه در برگردان فارسی عبارات مزبور قرآنی بدان دست یافته‌ایم مناسب و بایسته می‌نماید:

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد مترجمان قرآن ترکیب مزبور را در آیات سه‌گانه چه‌بسا به گونه‌های متفاوت ترجمه کرده‌اند. بدین روی، نخست ترجمه‌های هر ترکیب را دسته‌بندی کرده جهت تسهیل دستیابی به نتیجه، معادل‌های نسبتاً هماهنگ را در یک دسته قرار داده‌ایم:

الف. ترجمه‌های ارائه‌شده برای ﴿إِنْ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ

الْأُمُورِ﴾ (لقمان/۱۷)

دسته یکم

از کارهایی است که نباید سهل انگاشت (ترجمه شعرانی و آیتی)؛ از کارهایی است که ملازمت آن از واجبات است (ترجمه انصاریان)؛ بی‌گمان این از واجبات امور است (ترجمه حلبی و رهنما)؛ این از کارهایی است استوار و ناگزیر (ترجمه عاملی)؛ این از کارهای کردنی است (ترجمه خواجوی).

دسته دوم

این از امور مهم است (ترجمه برزی)؛ این از کارهایی سترگ است (ترجمه پورجوادی)؛ این از کارهای مهم انسان است (ترجمه ارفع).

دسته سوم

این نشانه عزم و اراده مردم بلندهمت در امور عالم است (ترجمه الهی قمش‌ای)؛ صبر در بلا و مصیبت دلیل بر همت بلند و عزم ثابت شخص است (ترجمه بروجردی)؛ این حاکی از تصمیم استوار شما در کارهاست (ترجمه رضایی)؛ این نشانه قدرت اراده است (ترجمه طاهری)؛ این حاکی از عزم و اراده تو در امور است (ترجمه فولادوند)؛ البته آنچه گفتیم تو را نتیجه قدرت اراده در کارهاست (ترجمه سراج).

از این دسته‌ها که بگذریم، مواردی هم دیده می‌شود که شاید نتواند در دسته‌ای جای بگیرد چنان‌که معنای چندان روشنی از آن نتوان دریافت کرد، مانند: به‌درستی که این از مفروضات کارهاست (ترجمه اشرفی) یا کمی از این روشن‌تر: این از کارهای اراده

طلب است (ترجمه فارسی).

ب. ترجمه‌هایی از آیه ﴿إِنْ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾

(شوری/۴۳)

دسته یکم

این از کارهای قوی است (ترجمه اشرفی و شعرانی)؛ این از کارهای استوار است (ترجمه خواجوی و مجتبیوی).

دسته دوم

این از کارهای پسندیده است (ترجمه آیتی)؛ این از کارهای پرارزش است (ترجمه ارفع و برزی)؛ بی‌گمان از ستوده‌ترین کارهاست (ترجمه حلبی و رهنما)؛ هرآینه از کارهای ستوده و استوار است (ترجمه مجتبیوی)؛ شکیبایی و گذشت از کارهای سترگ است (ترجمه پورجوادی)؛ کارهای شایسته و بزرگ و درخور تکریم انجام داده است (ترجمه بروجردی).

دسته سوم

این مقام از عزم در امور است (ترجمه الهی قمش‌ای)؛ این حاکی از تصمیم استوار در کارهاست (ترجمه رضایی)؛ بی‌گمان این کار نتیجه قدرت در کارهاست (ترجمه سراج)؛ نشانه قدرت اراده اوست (ترجمه طاهری)؛ مسلماً این حاکی از اراده قوی در کارهاست (ترجمه فولادوند).

دسته چهارم

بی‌تردید این از اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است (ترجمه انصاریان)؛ بی‌شک از اراده‌طلب‌ترین کارهاست (ترجمه فارسی).

مترجمی نیز عبارت مزبور را بدین صورت معادل‌سازی کرده است: همتی مردانه دارد (ترجمه عاملی).

ج) ترجمه‌هایی از آیه «فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (آل عمران/۱۸۶)

#### دسته یکم

نشان قدرت اراده شماس است (ترجمه آیتی و طاهری)؛ پس در حقیقت این حاکی از تصمیم استوار شما در کارهاست (ترجمه رضایی)؛ این حاکی از عزم استوار شما در کارهاست (ترجمه فولادوند).

#### دسته دوم

این چیزی است که باعث تقویت کارها می‌شود (ترجمه ارفع)؛ ثبات و تقوا سبب قوت اراده در کارهاست (ترجمه الهی قمشه‌ای)؛ همانا بردباری و پرهیزگاری سبب قوه اراده در کارهاست (ترجمه بروجردی)؛ آن از استواری در کارهاست (ترجمه رهنما).

#### دسته سوم

این از استوارترین کارهاست (ترجمه برزی)؛ کاری سترگ است (ترجمه پورجوادی)؛ این از اموری است که بسیار سترگ است (ترجمه حلبی)؛ البته این استقامت در کارهاست (ترجمه سراج)؛ همانا این از استوارترین، جدی‌ترین و راست و درست‌ترین کارهاست (ترجمه مجتبوی).

#### دسته چهارم

این از اموری است که ملازمت آن از واجبات است

(ترجمه انصاریان)؛ این از کاری‌های کردنی (واجب) است (ترجمه خواجه‌ای)؛ آن از اراده‌طلب‌ترین کارهاست (ترجمه فارسی).

کسانی نیز بدین صورت ترجمه کرده‌اند: به‌درستی که آن از عزم امور است (ترجمه اشرفی و شعرانی).

پس از این نگاه کوتاه به کمی از بسیار به‌مثابه تنها مسطوره‌هایی از حاصل تلاش مترجمان قرآن، تأملی ریشه‌ای به‌منظور بررسی چند مسأله بایسته است؛ ۱. مفهوم دقیق عزم در لغت و موارد کاربرد آن در ادب عربی و قرآنی. ۲. اقتضای قانون نحوی و زبانی در ترکیب اضافی عزم الامور. ۳. توجه به سیاق و فضاهای گونه‌گون مشتمل بر عبارات. ۴. اشاره «ذلک» در هر جمله با عنایت به افزونی تأکید وارد شده در بعضی از آنها نسبت به بعضی دیگر. ۵. پس از این بررسی‌ها تنها اشاره‌ای به وجه نارسایی یا ناسازی کثیری از ترجمه‌های یادشده کافی خواهد بود تا نزدیک‌ترین معادل‌ها به محتوای آیات خود را نشان دهد.

#### مفهوم‌یابی عزم

واژه عزم که واژه‌نامه‌های کهن، ترکیب یا عبارت فعلی «دل بر کاری نهادن» (سلطانی، ۱۳۶۳: ۱۲۹-۱۳۰) را در برابر آن می‌نهند (روزنی، ۱۳۴۰: ۱۵۸؛ جرجانی، ۱۳۱۳: ۸۱؛ قاسمی، ۱۳۶۶: ۲۷۱؛ محقق، ۱۳۵۵: ۳۲۱). در اصل برای افاده معنای قطعیت و حتمیت آمده است و به قول بزرگان لغت: عقد القلب علی امضاء الامر (راغب، ۱۳۳۲: ۳۳۴؛ زبیدی، بی‌تا: ۳۹۲/۸)؛ بدین روی آنگاه که از بزرگی نسبت به مادونی صدور

رخصه فمنا من صام و منا من افطر» از این سخن رخصت فهمیدیم بدین جهت بعضی از ما روزه را به سر برده و بعضی افطار کردند، سپس به منزل دیگری رسیدیم حضرت فرمودند: «انکم مصبحو عدوکم و الفطر اقوی لکم فافطروا»، اینک شما رویاروی دشمنید و افطار برای نیرومندی شما بهتر است پس افطار کنید، فکانت عزیزه فافطروا، این دیگر فرمان بود و ما همه افطار کردیم (ابن حنبل، بی تا: ۳/۳۵؛ ابوداود، ۱۴۲۵: ۴۴۹). در بیان دیگری آمده است: «ان رسول الله کان یرغب فی قیام رمضان من غیر ان یأمرهم بعزیمه امر» (نسائی، ۱۳۴۸: ۴/۱۵۵)؛ یا «بعزیمه...» (ابن حنبل، همان: ۲/۲۸۱، ۵۲۹؛ مسلم، ۱۴۰۷: ۶/۴۰). چنان‌که روشن است و عموم شارحان برآنند کلمه عزیمت در این موارد همان ایجاب و الزام و مانند آن است و هرگاه جمله‌ای مشتمل بر نهی «فرمان بر ترک» از حضرت می‌رسید تأمل می‌کردند و چنانچه تحریم از آن نمی‌فهمیدند می‌گفتند «لیست بعزیمه» (بخاری، ۱۹۷۸: ۳/۳۲۰)؛ بدین معنی که نهی مزبور برای تحریم نیست (قسطلانی، ۱۴۲۷: ۹/۴۸۳). یا این سخن امیرالمؤمنین علیه‌السلام که فرمودند: «لاجتمع عزیمه و ولیمه و ما انقض النوم لعزائم الیوم» (شریف رضی، ۱۳۸۷: ۳۵۹) و موارد دیگر که نیازی به یادکرد شواهد بیشتر نیست.

حاصل اینکه اصل معنی و موارد کاربرد به طور عموم نشان می‌دهد که عزم به صورت عمده برای امور بایسته و دارای اهمیت خاص به کار می‌رود. اموری که به هر روی نباید سهل انگاشته شود و از سوی امت اسلامی مورد غفلت قرار گیرد؛ به‌ویژه آن‌گاه که از سوی آفریدگار هستی باشد؛ بر این پایه، مترجمانی که عبارت «عزم الامور» را به: کارهای استوار (ترجمه مجتبوی و

یابد معنای فرمان حتمی از آن فهمیده می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۰۸)؛ از اینجاست که عزم را به دو معنی گرفته‌اند: یکی به معنی قصد حتمی نسبت به امور مهم- تا تفاوت آن از تصمیم در امور جزئی معلوم باشد- دوم وجود که به طبیعت حال از سوی مقام فرادستی صادر می‌گردد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۱۶/۵۴۶-۵۴۸). معانی و مفاهیم یادشده از کاربردهای قرآنی این واژه و مشتقات آن حسب‌مورد به‌روشنی قابل فهم است؛ مانند: «فاذا عزم فتوکل علی الله...» (آل عمران/۱۵۹)، آن‌گاه که به تصمیم جدی در مسائل مهم رسیدی با توکل بر خدا آغاز کن؛ «و ان عزموا الطلاق...» (بقره/۲۲۷)، آن‌گاه که زن و شوهر تصمیم جدی بر جدایی گرفتند... و بدین منوال: «و لاتعزموا عقده النکاح حتی یبلغ الكتاب اجله» (بقره/۲۳۵)، گره و عقد نکاح را استوار و محکم نسازید تا آن مدت معهود به سرآید.

پیامبران را نیز اولوالعزم خواندند چون به قول کشاف: «اولو الجد و الثبات و البصر» (زمخشری، بی تا: ۴/۳۱۳) بودند. نمونه‌های دیگر قرآنی چون: «...فاذا عزم الامر...» (محمد/۲۱) و «...و لم نجد له عزمًا» (طه/۱۱۵). بدین روی در ادب رایج میان مسلمانان نخستین، هرگاه از سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معنای فرمان و وجوب می‌فهمیدند، بر آن عنوان (عزیمت) می‌نهادند، در برابر آنچه با شناسه رخصت از آن یاد می‌شد که وجوب و الزامی در آن نبود؛ از ابوسعید خدری نقل است: در رمضان سال فتح مکه با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیرون شدیم تا به یکی از منزل‌ها رسیدیم حضرت فرمودند: شما به دشمن نزدیک شده‌اید و افطار به شما بیشتر نیرو می‌دهد؛ «فکانت

خواجوی و رضایی و...) یا: کارهای قوی (ترجمه شعرانی و اشرفی و...) ترجمه کرده‌اند از آن ریشه و اساس معنایی غافل مانده‌اند.

#### تحلیل ترکیب اضافی عزم الامور

چون مصدر عزم در ترکیب مزبور به‌عنوان طرفی برای اسناد قرار گرفته است باید به‌مدد یکی از راه‌های مورد عمل در این‌گونه موارد حسب دلایل و قرائن علاج گردد؛ یا باید گفت: اینجا به دلیل اراده تأکید و مانند آن به جای معزومات مثلاً از مصدر عزم استفاده شده است مانند «ولکن البر من آمن الله...» (بقره/۱۷۷) که یک‌طرف نسبت مصدر «البر» است برابر شیوه‌ای که در میان عرب معمول بوده و هست (سیدمرتضی، ۱۴۲۸: ۲۰۸/۱)؛ برخی از ترجمه‌ها بدین اشعار دارد که معنای مصدری یا دست‌آخر حاصل مصدری، مورد نظر آنان بوده است (معین، ۱۳۵۶: ۹)؛ مانند «این از کارهای مهم انسان است» یا «این از کارهای کردنی است» یا «این از کارهای سترگ است» یا «این کاری است استوار و ناگزیر» یا «این از استواری کارهاست» و مانند آن؛ یا باید: مصدر به معنی صفت «معزوم» و به دلیل وجود «من» آن صفت به‌صورت جمع فرض شود و از قبیل اضافه صفت به موصوف تلقی گردد که به دلیل اخص بودن از موصوف، مجاز شمرده می‌شود (جامی، ۱۲۷۱: ۱۰۶؛ حجت‌هاشمی، ۱۳۹۲: ۳۹/۳)؛ چنان‌که بعضی از مترجمان در برابر آن عبارت نوشته‌اند: «این از مفروضات کارهاست»، «بی‌گمان این از واجبات امور است»، «اینها از اموری است که ملازمت بر آنها از واجبات است»، «این از کارهایی است که نباید سهلش انگاشت» و مانند آن.

کسانی هم با تقدیر گرفتن چیزی چون «علائم» به‌عنوان مضاف به علاج مسأله برخاسته‌اند؛ از برخی از ترجمه‌ها برمی‌آید که به این راه نظر داشته‌اند، مانند «این نشانه قدرت اراده در کارهاست»، «آنچه گفتیم تو را نتیجه قدرت اراده در کارهاست» و... چه‌بسا کسانی هم صفت برگرفته از مصدر عزم را به‌صورت اسم فاعل گرفته و آن را لازم تلقی کرده‌اند، چنانکه استعمال بدین صورت نیز در زبان عرب، رایج و سابقه قرآنی هم دارد: «...فاذا عزم الامر...» (محمد/۲۱)، آنگاه که کارزار جدی شود...؛ کسانی که چنین مطلبی را در ذهن داشته‌اند در برابر آن عبارت آورده‌اند: این از کارهای جدی است و این از جدی بودن در انجام امور است؛ چنان‌که پس از این گفته خواهد شد. باید دانست که «عزم» در این آیات، کار خداوند است یعنی خواست جدی باری تعالی نسبت به چیزی که بایسته است: از سوی بندگان به‌مثابه امری جدی انجام پذیرد و این گمان که حقیقت یادشده تنها در حوزه عقل و حکمت عملی مطرح است و چون فی‌المثل صبر از اموری است که باید روی آن تصمیم گرفت بدین روی به‌عنوان عزم‌الامور از آن یاد شده، چنان‌که بعضی از بزرگان برآند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵: ۶۰۲/۷، ۶۴۴؛ همو، ۱۳۹۰: ۳۰۶/۲۳؛ همو، ۱۳۸۹: ۲۹/۱۸) سخنی است که نمی‌تواند دارای وجهی فراگیر و همه‌جایی تلقی گردد.

#### سیاق‌شناسی آیات عزم الامور

پیداست که نسبت به مشارالیه واژه «ذلک» در هر سه عبارت هر مفسر و مترجمی تلاش کرده است با تأمل در عبارات پیش از آن به مرجعی دست یابد و

به سان کنیری از ترجمه‌های دیگر مناسبیتی معقول میان این عبارات و روح تعلیل و یا استیناف دیده نمی‌شود.

اسم اشاره «ذلک» با حیثیت معنایی دلالت بر دور، دست‌کم، شماری از مترجمان را بر آن داشته است که واژه «آن» را در برابرش قرار دهند؛ در تأملات زبانی و تفسیری به دست می‌آید که این اسم در عبارت سوره لقمان بی‌گمان جز به بخش امر به معروف و نهی از منکر در آیه اشاره ندارد چه اگر پرسش مفروض پیش‌گفته، این باشد که چرا باید بر آزارهای ناشی از انجام این فریضه شکیبایی ورزید نمی‌توان بدین‌گونه پاسخ داد که چون صبر یا صبر و نماز واجب و عزیمت است؛ زیرا آنچه برابر توضیحات پیشین، محور پرسش است صبر بر آزارهای ناشی از انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است نه صبر تنها یا چیز دیگر و نمی‌تواند «ذلک» به هر سه عنوان اقامه نماز، امر به معروف و نهی از منکر و صبر اشاره داشته باشد که وجوب این هر سه خود مؤدای صیغه‌های امر مرتبط با آنها است؛ بنابراین، تعلیل و پاسخ پرسش، بی‌گمان در کار بیان چیزی فراتر از اصل وجوب است که عبارت است از اهتمام ویژه شارع مقدس که تحمل آسیب و آزار در راه آن را توجیه‌پذیر می‌سازد، بنابراین «ذلک» در این آیه تنها به امر به معروف و نهی از منکر بازمی‌گردد و برخلاف آنچه بعضی از بزرگان آورده‌اند نمی‌توان به قرینه اراده صبر از «ذلک» در آیات دیگر در اینجا نیز بدان قائل شد (مکارم، ۱۳۶۷: ۵۴/۱۷).

اکنون ذهن آماده دریافت مضامین و پیام‌های بلند مندرج در احادیث امر به معروف و نهی از منکر می‌گردد. نمونه را حدیث شریفی است که به‌رغم ارسال، (مجلسی، ۱۴۰۱: ۳۹۹/۱۸؛ همو، ۱۴۰۷: ۴۷۶/۹)

به‌صورت اجمال با واژه «این» یا «آن» حق ترجمه را ادا کند و اگر نتوانست، به‌ناچار عنوان یا عنوان‌های به‌دست‌آمده از سیاق را به‌صورت مشارالیه «ذلک» مورد توجه و تصریح قرار دهد. اینجاست که درنگ بیشتری باید روا داشت تا در پرتو تأمل بایسته به توفیق الهی غبار ابهام زدوده گردد.

اینک با نگاهی، اندکی به‌تفصیل تر آیات را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

آیه یکم: ﴿يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامْرُءًا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان/۱۷)

می‌دانیم که: «إِنَّ» در عبارت «إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الامور» برای تعلیل یا به‌صورت جمله مستأنفه و در پاسخ پرسشی برخاسته از عبارات پیشین است که برابر قانون بلاغی باید در قالب کلامی طلبی و با تأکیدی استحسانی آغاز گردد (تفتازانی، ۱۳۷۴: ۳۹-۴۰). تو گویی پرسشی پیش می‌آید که شکیبایی بر آسیب‌ها و رنج‌های حاصل از امر به معروف و نهی از منکر چرا باید صورت‌پذیرد؟ پاسخش این است که: «ان ذلک...» چون امر به معروف و نهی از منکر حقیقتی است که باید به هر قیمتی صورت‌پذیرد و ترک آن به هیچ بهانه‌ای مجاز نیست، بدین روی بزرگانی که در عبارت ترجمه واژگانی به‌مثابه مضاف افزوده‌اند از روح تعلیل یا استیناف بلاغی غافل مانده‌اند؛ بنابراین عباراتی چون: این نشانه قدرت اراده است (ترجمه طاهری) یا، این حاکی از عزم و اراده تو است (ترجمه فولادوند) یا، این کار نتیجه قدرت در کارها است (ترجمه سراج) و مانند آن، همه از این نظر دچار مسامحه‌ای جدی است چه

مرحوم مجلسی اول آن را قوی به گونه صحیح شمرده (مجلسی، ۱۳۹۸: ۴۲/۱۱) و امام خمینی در بیان اهمیت والای این فریضه بزرگ الهی بدان استناد جسته است (خمینی، بی تا: ۴۶۳/۲). در این حدیث شریف، فریضه مزبور، «اسمی الفریض و اشرفها» نیز «فریضه عظیمه بها تقام الفریض» خوانده شده است؛ هم‌چنین، امنیت راه‌ها، حلیت شغل‌ها، ردّ مظالم، آبادانی زمین، گرفتن داد از دشمنان و راستی امور و... همه و همه درگرو انجام این فریضه عظیم است (کلینی، ۱۳۶۲: ۵۵-۵۶).

برپاداشتن نماز اگرچه خود بدون سختی نیست ﴿وإنها لكبيرة...﴾ (بقره/۴۵)؛ اما می‌تواند به‌گونه‌ای انجام پذیرد که نمازگزار هرگز در تیررس آسیب مخالفان قرار نگیرد؛ اما امر به معروف و نهی از منکر چون به‌حسب ماهیت خود در پیوند با دیگران تحقق می‌یابد، به طبیعت خود با زوایای پنهان شخصیت آدمیان درگیر می‌شود و لایه‌های عاطفی مخاطبان را دست‌خوش چالش می‌کند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۱۶۳/۶). احتمال اصطکاک و درگیری و آسیب و فشار و در نتیجه ترک تکلیف نسبت بدان می‌رود؛ بدین صورت توصیه و تأکید بر صبر توجیه می‌یابد و چنین زمینه‌ای در چیزی مانند نماز نیست، اگرچه کسانی خواسته‌اند لزوم شکیبایی را با تکلف به ساحت نماز نیز تعمیم دهند (آلوسی، ۱۴۰۵: ۸۹/۲۱)؛ اما با این بیان امر به شکیبایی از فضای اقامه نماز فاصله جسته، در پیوند مستقیم با امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد؛ این برداشت با سخنی که در برخی از منابع تفسیری به امیرالمؤمنین علیه‌السلام نسبت داده شده است تأکید و تأیید می‌پذیرد (حویزی، بی تا، ۲۰۷/۴؛ بحرانی، ۱۳۹۳:

۲۷۶/۳).

بدین روی گرایش روشن مفسران از سده‌های نخست بدین سو آن است که لزوم شکیبایی در پیوند با امر به معروف و نهی از منکر است (طبری، ۱۳۹۸: ۴۷/۲۱؛ طوسی، ۱۴۳۱: ۲۱۳/۸؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۸۱/۳؛ رازی ۱۴۰۵: ۱۵۰/۲۵).

آیه دوم: ﴿وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنَ عَظْمِ الْأُمُورِ﴾ (شوری/۴۳)

چنان‌که به اجمال گذشت خداوند از پس بیان مواردی از آیات آفرینش و اشاره به دانش بی‌پایان خود، تمامی داده‌های این جهانی را متاعی برای زندگی فرودین دنیا نام نهاده و نعمت‌های فرازین (ما عندالله) را بهتر و پایاتر معرفی کرده و آن را ویژه کسانی با برجستگی‌هایی خاص، مقرر داشته است؛ از جمله: آنان که به هنگامه ستم و تجاوز دشمن ایستاده و داد خود می‌ستانند و از ستمگران انتقام می‌گیرند که ﴿جزاء سیئته سیئته مثلها...﴾ (شوری/۴۱) ضمن آنکه خاطر نشان ساخته است که در همین هنگامه جواز انتقام هم هرآن کس که ببخشد و راه اصلاح گشاید اجر ویژه او با خود خداست ﴿فاجره علی الله...﴾ (شوری/۴۰) که این عبارت در عین ایجاز، از بار عاطفی و اوج معنایی شگفتی برخوردار است و چونان کلیدی ذهن مفسر را برای دریافت پیام اصلی آیه مددکار می‌شود. پس آنگاه آورده است: ﴿وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنَ عَظْمِ الْأُمُورِ﴾ که درنگی را بایسته است.

در آغاز این آیه «لام» ابتدا برای تأکید و در پایان هم «لامی» در خبر برای «ذلک» آمده است. از



میان مجموعه آیات ۳۵ تا ۴۲ مضمون آیه ۴۳ بیوند تنگاتنگی با آیه ۳۷ ﴿وَإِذَا مَاغَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾ و آیه ۴۰ و ۴۱ دارد که از سویی دادستانی و انتقام از ستمگر را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اهالی سرای نعمت‌های برین دانسته و هرگونه خرده‌ای بر انتقام از ستمگر را ناروا شمرده، از دیگر سو اهمیت بخشایش و اصلاح را چندان والا بیان داشته که هر وجدان خداپاوری را به‌سوی خود می‌کشد. اینجاست که فرض بروز حالتی حیرت‌گونه برای مخاطب دور نیست؛ چه اگر انتقام به‌مثابه یکی از ویژگی‌های اهل بهشت و سرای فرازین دانسته شده پس چرا شارع مقدس روی عفو و اصلاح، این میزان اهتمام نشان داده است؟ و بدین منوال ابهام و حیرت پیش‌آمده با آیه ۴۳ زدوده می‌شود که دانستی هر آن‌کس شکیبایی ورزد و ببخشاید به افتخار اجر ویژه خداوندی دست می‌یابد؛ زیرا که این بخشایش و اصلاح و شکیب از اموری است که در منظومه حکمت خداوندی تعبیه شده است و نباید آن را سهل انگاشت؛ عزم الامور در این آیه نیز به معنای فرمان و عزیمت الهی است ولیکن چون پیش از آن حکم جواز انتقام صادر شده در اینجا نیاز به تأکید بیشتر پیش آمده و دو لام در آغاز و انجام آیه این نقش را انجام داده است. ناگفته پیداست که عبارت ﴿إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ نه خبر برای «مَنْ» بلکه جمله‌ای است که حاصل تعلیل خبر بوده و به جای آن نشسته است بنابراین نیازی به تقدیر «منه» به‌عنوان رابط بین مبتدا و خبر نیست اگرچه بزرگانی بدان تصریح کرده‌اند و طبعاً موضوعی برای این سخن نمی‌ماند که حذف رابط جمله خبریه به جهت طولانی شدن کلام است یا به علت وجود قرینه کلامی (رازی، ۱۳۶۶: ۱۷/۱۴۰) که اساساً حذف و

تقدیری در این نقطه صورت نگرفته است.

می‌دانیم: بخشایش در کنار قدرت بر انتقام از صفات الهی است؛ بدین روی در آموزه‌های دینی بر آن تأکید فراوان شده است که در منابع روایی به فراوانی می‌توان یافت که پرداختن بدان خارج از محدوده این نوشته است. با این تأمل هم «ذلک» جای خود را می‌یابد و هم وجه بلاغی حروف تأکید در آغاز و پایان آیه روشن می‌شود؛ با این توضیح هر آنچه از ترجمه‌ها جز این مفهوم یا مفهومی مشابه آن را می‌رساند چندان دقیق نیست.

آیه سوم: ﴿لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيراً وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (آل عمران/۱۸۶)

همان‌گونه که در مقدمه بحث اشاره شد، عبارت ﴿فان ذلک من عزم الامور﴾ (آل عمران/۱۸۶) پس از بیان ماجرای غزوه احد و مسائل مرتبط با آن و پیدایی جریان نفاق و پیامدهای دشوار آن برای مسلمانان آمده است و آیه ۱۸۴ از پس بیان سنگ‌اندازی‌های پراسیب آنان در مسیر جنگ حق و باطل و رهنمودهای مکرر و گونه‌گون خداوندی در هر مرحله حسب مورد در کار گونه‌ای دلجویی از پیامبر و مسلمانان در برابر رنج‌های تحمیلی دشمنان حق است که ﴿فان کذبوک قد کذب رسل من قبلک﴾ اگر تو را ای پیامبر تکذیب کردند، میدانی که این شیوه نابکاران روزگار است و در تاریخ پیامبران الهی نمونه‌های فراوان دارد.

اگر تکذیب حق و اهل آن را آسیب زبانی دشمن تلقی کنیم، می‌توانیم آیه پس از آن را در مقوله

آسیب مالی و جانی بشناسیم و دلجویی خداوند را در این بدانیم که می‌فرماید: کار این جهان برای همه - خوبان و بدان - با مرگ پایان می‌پذیرد ﴿کل نفس ذائقه الموت﴾ با این تفاوت که راست‌پویان این سرا در آن جهان از اجر کامل خداوند و رستگاری و فردوس جاوید و دوری از دوزخ بهره‌مندند و کزراهان را آتش خشم خداوندی در انتظار است.

پس آنگاه با مضمونی مشابه آنچه از سوره شوری آیه ۳۶ گذشت، فرمود: زندگانی فرودین این جهان چیزی جز متاع گول و فریب نیست؛ از پس تمامی این مسائل افزود: شما حتماً و هرآینه نسبت به اموال و جان‌هایتان مورد آزمون الهی قرار می‌گیرید: ﴿لتبلون فی اموالکم و انفسکم...﴾ و از سوی کافران اهل کتاب و شرک‌پیشگان مورد آسیب و آزار فراوان خواهید بود.

در پایان فرمود: ﴿وان تصبروا و تتقوا فان ذلک من عزم الامور﴾ پیداست که شکیبایی و پروا پیشگی برابر زیان‌های مالی و جانی و نیش‌ها و آزارهای زبانی دشمن منظور است. چه آنکه آدمی به طبیعت زمینی خود در این‌گونه موارد از خویش عکس‌العمل نشان داده و چه‌بسا از مرز شکیبایی و حدود مقرر الهی پای فراتر نهد و زوال دست‌آوردهای مثبت کار خود را سبب گردد. بدین روی در آیه هم از شکیبایی سخن رفته است و هم از مرزیایی حدود الهی و پروا پیشگی یعنی رعایت تقوای الهی؛ پاداش صبر و تقوی هم پیش از این در آیه ۱۸۵ بیان گردید که همان رسیدن اجر کامل راست‌کیشان است ﴿انما توفون اجورکم...﴾.

جای این پرسش فرضی مانده است که این مایه اجر و فلاح و فردوس خداوندی در برابر شکیب و پروا

برای چیست؟ پاسخ این است که فرمان به صبر و تقوا در برابر آسیب و آزار دشمنان، از دستورات و عزیمت‌های مهم خداوند است که در نظام حکمت محور شریعت تعبیه شده است و به‌هیچ‌روی نباید سهل انگاشته شود؛ با این بیان روشن است که جمله ﴿فان ذلک من عزم الامور﴾ نه جواب شرط ﴿ان تصبروا...﴾ بلکه جایگزین آن است و به قرینه آیه ۱۸۵: ﴿انما توفون اجورکم﴾ حذف شده است و به جای آن سخنی مهم‌تر به‌مثابه پاسخ پرسش مقدر نشسته است. تو گویی خداوند فرمود: اگر صبر و تقوا در برابر آسیب‌ها و آزارهای دشمن پیشه کنید اجر شما چنان‌که پیش‌تر گفتیم به تمام و کمال داده خواهد شد، چه به هر روی این شکیبایی و پروا پیشگی شما در برابر مشکلات، خواست جدی و عزیمت حکمت‌مدار خداوندی است و باید به هر صورت انجام پذیرد.

آوردن فرمان و عزیمت به صورت جمله شرطیه مایه‌ای از تحبیب و قرابت را بر پیوند گوینده و شنونده می‌افشاند که لطافت آن پنهان نیست. همان‌سان که در آیات آغازین سوره انفال آمده است: «شما راحت و آسایش می‌خواستید اما خداوند اراده دارد حق را به کرسی نشاند و دنباله کافران را قطع کند و به‌رغم کراهت بزه‌پیشگان حق بر جای خود آید و باطل از میان برود» (انفال/۸-۹).

#### بحث و نتیجه‌گیری

۱. برگردان کثیری از مترجمان قرآن نسبت به ترکیب قرآنی «عزم الامور» بر پایه قواعد نحوی و لغوی و فضای آیات مشتمل بر آن دچار مسامحه جدی است.
۲. برای فهم مشارالیه (ذلک) پیش از ترکیب مورد بحث

- در هر سه آیه باید سیاق با دقت مورد توجه قرار گیرد و تنها به آوردن واژه‌های «این» یا «آن» در ترجمه نباید بسنده شود.
۳. تفاوت ساختاری هریک از سه ترکیب مانند شرطیه بودن و حروف تأکید و مانند آن در تفسیر باید مورد توجه قرار گرفته و در ترجمه لحاظ گردد.
۴. با تمامی تفاوت‌ها در هر سه ترکیب معنای «عزم الامور» در قرآن چیزی جز فرمان قطعی و حتمی خداوند نیست.
۵. در عین همسانی معادل‌های درست در ترکیب مورد بحث، چنان که ملاحظه گردید مباحث مرتبط با هر آیه متفاوت از آیات دیگر است که باید مورد توجه قرار گیرد.
۶. در این بررسی وجه نارسایی یا ناسازی کثیری از معادل‌های یادشده برای ترکیب «عزم الامور» را می‌توان دریافت که به پاره‌ای از آنها اشاره شد؛ نیز روشن شد: نزدیک‌ترین معادل‌ها عبارت است از اینکه حقیقتی که در متن آیه مورد توجه قرار گرفته موضوعی است که به هیچ روی و با هیچ بهانه‌ای نمی‌توان آن را سهل انگاشت و از آن گذشت چون امر به معروف و نهی از منکر و مانند آن.
- منابع
- قرآن کریم.
- آلوسی، شهاب‌الدین محمود (۱۴۰۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. چاپ چهارم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (بی‌تا). *مسند احمد بن حنبل*. بیروت: دار صادر.
- ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *مقاییس اللغة*. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۵ق). *سنن ابی داود*. تصحیح صدقی جمیل العطار. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.
- ارفع، سیدکاظم (۱۳۸۱ش). *ترجمه قرآن*. تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی.
- اشرفی تبریزی، محمود (۱۳۸۰ش). *ترجمه قرآن*. تهران: انتشارات جاویدان.
- الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۸۰ش). *ترجمه قرآن*. قم: انتشارات فاطمة الزهرا سلام الله علیها.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۳ش). *ترجمه قرآن*. قم: انتشارات اسوه. چاپ اول.
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۷۴ش). *ترجمه قرآن*. تهران: انتشارات سروش.
- بحرانی، سید هاشم (۱۳۹۳ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تصحیح محمود بن جعفر الموسوی الزرنندی. چاپ سوم. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل (۱۹۷۸ق). *صحیح بخاری*. طبع افست. بیروت: دارالمعرفه.
- برزی، اصغر (۱۳۸۳ش). *ترجمه قرآن*. تهران: بنیاد قرآن. چاپ اول.
- بروجردی، سیدمحمدابراهیم (۱۳۶۶ش). *ترجمه قرآن*. تهران: انتشارات صدر.
- پورجوادی، کاظم (۱۳۷۴ش). *ترجمه قرآن*. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی. چاپ اول.
- تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۳۷۴ق). *کتاب المطول فی شرح تلخیص المفتاح*. به خط عبدالرحیم. افست.

- تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- جامی، عبدالرحمن بن احمد (۱۲۷۹ق). *کتاب جامی*. شرح کافیه در نحو. چاپ سنگی. به خط ملاعلی خوانساری. بی‌جا: بی‌نا.
- جرجانی، میر سید شریف (۱۳۱۳ق). *ترجمان القرآن*. چاپ سنگی. بی‌جا: بی‌نا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ش). *تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم*. جلد ۷. تنظیم حسن واعظی محمدی. چاپ دوم. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش). *تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم*. جلد ۱۶. تنظیم عبدالکریم عابدینی. چاپ اول. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ش). *تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم*. جلد ۲۳. تنظیم حیدر علی ایوبی. حسین اشرفی. محمد فراهانی. چاپ اول. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. جلد ۱۸. ادبی توحیدی انبیاء در قرآن. تنظیم سعید بندعلی. چاپ اول. قم: مرکز نشر اسراء.
- حجت هاشمی، حمیدالدین (۱۳۹۲ق). *فوائد الحجثیه*. چاپ و نشر مؤلف. بی‌جا: بی‌نا.
- حویزی، شیخ عبدعلی بن جمعه (بی‌تا). *تفسیر نور الثقلین*. تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی. افسست علمیه. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۸۰ش). *ترجمه قرآن*. تهران: انتشارات اساطیر. چاپ اول.
- خواجوی، محمد (۱۴۱۰ق). *ترجمه قرآن*. تهران: انتشارات مولی.
- خمینی، روح الله (بی‌تا). *تحریر الوسيله*. النجف
- الاشرف: مطبعة الآداب.
- رازی، فخرالدین محمد (۱۴۰۵ق). *مفاتیح الغیب* (تفسیر فخر رازی). چاپ سوم. بیروت: دارالفکر.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۱۳۶۶ش). *روض الجنان و روح الجنان* (تفسیر ابوالفتوح). جلد ۱۷. تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمدهادی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- راغب، حسین بن محمد (۱۳۳۲ش). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق سیدمحمد کیلانی. تهران: المکتبه المرتضویه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۳ش). *ترجمه قرآن*. قم: موسسه تحقیقاتی و فرهنگی دارالذکر.
- رهنما، زین العابدین (۱۳۴۶ش). *ترجمه قرآن*. تهران: انتشارات کیهان.
- زبیدی، محمد مرتضی (بی‌تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: منشورات مکتبه الحیاء.
- زرقانی، محمدبن عبدالباقی (۱۴۲۴ق). *انوار کواکب* *انهج المسالك بشرح موطأ مالک*. جلد ۱. تصحیح طه عبدالرؤف سعد. چاپ اول. مصر: شركة القدس.
- زمخشری، محمود بن عمر (بی‌تا). *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*. بی‌جا: منشورات البلاغه.
- زوزنی، حسین بن احمد (۱۳۴۰ش). *کتاب المصادر*. جلد ۱. چاپ اول. تحقیق تقی بنش. مشهد: کتاب‌فروشی باستان.
- سلطانی‌گرد فرامرزی، علی (۱۳۶۳ش). *از کلمه تا کلام*. چاپ سوم. تهران: چاپخانه حیدری.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۲۸ق). *غرر الفرائد و درر العلائد* (امالی المرتضی). تحقیق محمد

- ابوالفضل ابراهیم. چاپ دوم. قم: نشر ذوی القربی.
- سیوطی، جلال‌الدین (بی‌تا). *تنویر الحوالک شرح علی موطأ مالک*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سراج، رضا (بی‌تا). *ترجمه قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شریف رضی، محمد بن الحسین (۱۳۸۷ق). *نهج البلاغه*. تصحیح صبحی الصالح. چاپ اول. بیروت: دارالمعرفه.
- شعرانی، ابوالحسن (۱۳۷۴ش). *ترجمه قرآن*. تهران: انتشارات اسلامیة. چاپ اول.
- طبرسی، فضل بن الحسن (۱۳۷۷ش). *تفسیر جوامع الجامع*. تصحیح ابوالقاسم گرگی. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۹۸ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم. افسست. طبع مصر. بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۳۱ق). *البیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق احمد حبیب قصرالعالمی. چاپ اول. بیروت: الامیره.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۹ش). *ترجمه قرآن*. تهران: انجام کتاب. چاپ اول.
- فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۵ق). *ترجمه قرآن*. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. چاپ اول.
- قاسمی، مسعود؛ مدبری، محمود (۱۳۶۶ش). *تراجم الاعاجم*. به کوشش مؤلف ناشناخته. چاپ اول. تهران: انتشارات اطلاعات.
- طاهری قزوینی، علی اکبر (۱۳۸۰ش). *ترجمه قرآن*. تهران: انتشارات قلم. چاپ اول.
- عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰ش). *ترجمه و تفسیر قرآن*. تهران: انتشارات صدوق. چاپ اول.
- قسطلانی، شهاب‌الدین احمد (۱۴۲۷). *ارشاد الساری فی شرح صحیح البخاری*. ضبط و تخریج صدقی جمیل المطار. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش). *الکافی*. تصحیح علی اکبر غفاری. چاپ دوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۷/۱ق). *مرآت العقول فی شرح اخبار آل الرسول*. جلد ۱۸. تصحیح سیدمحمسن الحسینی الامینی. چاپ اول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۷/۲ق). *ملاذ الاخبار فی فهم تهذیب الاخبار*. جلد ۹. تحقیق سید مهدی الرجائی. قم: مکتبه آیت الله المرعشی.
- مجلسی، محمدتقی (۱۳۹۸ق). *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*. تصحیح سید حسن موسوی کرمانی و شیخ علی پناه اشتهاوردی. تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان‌پور.
- محقق، مهدی (۱۳۵۵ش). *لسان التنزیل*. به اهتمام مؤلف ناشناخته. چاپ دوم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مسلم، بن حجاج نیشابوری (۱۴۰۷ق). *صحیح مسلم*. بشرح النووی. بیروت: دارالکتب العربی.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۴۱۱ق). *تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب*. جلد ۱۱. تحقیق حسین درگاهی. چاپ اول. تهران: مؤسسه الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی.
- معین، محمد (۱۳۵۶ش). *اسم مصدر - حاصل مصدر*.

- چاپ سوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). *التفسیر الکاشف*. چاپ اول. تهران: موسسه دارالکتاب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷ش). *تفسیر نمونه*. جلد ۱۷. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجتبیوی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۱ش) *ترجمه قرآن*. تهران: انتشارات حکمت. چاپ اول.
- نسائی، احمد بن شعیب (۱۳۴۸ق). *سنن النسائی*. بشرح السيوطی و حاشیه السندی. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.